

دریافت مقاله: ۹۰/۳/۱۰

فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت نظامی

پذیرش مقاله: ۹۰/۳/۲۷

شماره ۴۲، سال یازدهم، تابستان ۱۳۹۰

ص ص ۱۸۱-۲۱۲

بررسی جامعه شناختی میزان دینداری

دانشجویان دانشگاه افسری امام علی (ع) با استفاده از یک مدل بومی

مهدی میرزائی^۱

چکیده مطالب

دین شاخص اصلی نظام مقدس جمهوری اسلامی است و دینداری ویژگی ضروری کارگزاران این نظام است. نیروهای مسلح به عنوان بازوان توانمند ولایت و حافظان مرزهای جغرافیایی نظام، باید افسرانی متدین و دیندار باشند و دانشگاه افسری امام علی (ع) رسالت تربیت افسران ارتش جمهوری اسلامی ایران را به عهده دارد. درصد میزان دینداری دانشجویان این دانشگاه، تکلیفی ضروری بوده که برعهده متولیان ارتش است.

بنابراین انجام این وظیفه، ما را برآن داشت که این تحقیق را انجام دهیم. در ادامه با تکیه بر دو اصل جامع بودن و مانع بودن تعریف، بین دو مدل دینداری گلاک و استارک به عنوان یک مدل غربی و مدل شجاعی زند به عنوان یک مدل بومی و داخلی، مقایسه‌هایی انجام داده‌ایم که با توجه به استدلال‌های منطقی، مدل شجاعی زند را مدلی مناسب‌تر از مدل گلاک و استارک، جهت سنجش میزان دینداری در جامعه ایران یافتیم؛ پس از آن، با استفاده از روش پیمایش و بهره‌گیری از ابزار پرسشنامه، به سنجش میزان دینداری پرداختیم.

۱- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس و مدرس دانشگاه افسری امام علی (ع)

جمعیت تحقیق حاضر، دانشجویان دانشگاه افسری امام علی^(ع) را شامل می‌شود، که از میان آنها تعداد ۱۵۰ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی به عنوان نمونه آماری تحقیق انتخاب شدند. در تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی (همچون میانگین و جداول توزیع فراوانی و تکنیک تحلیلی آزمون تی) استفاده شد. یافته‌های تحقیق باور دینی دانشجویان (میانگین ۲/۹۶ از ۳) را قوی نشان می‌دهد.

پایبندی دانشجویان به اخلاقیات (میانگین ۲/۴۱ از ۳) در مقایسه با دیگر ابعاد کمتر است. میانگین نمره پایبندی به اعمال عبادی (مسائل عبادی) و امور شرعی دانشجویان به ترتیب برابر ۲/۶۲ و ۲/۸۱ از ۳ است. به طور خلاصه بیشتر دانشجویان دانشگاه افسری به طور کلی از دینداری قوی برخوردارند، (۸۱/۳ درصد) و دینداری سطح ضعیف در بین دانشجویان دیده نمی‌شود.

واژگان کلیدی

دینداری، مدل سنجش دینداری گلاک و استارک، مدل سنجش دینداری شجاعی‌زند، مدل مناسب.

بیان مسئله

در ابتدا ضرورت دارد که بر مفهوم دینداری مروری مختصر نماییم، تا ما را به معرفی و انتخاب مدل مناسب از دینداری نزدیک کند. سعی ما بر این است پس از چند تعریف مقدماتی از دینداری؛ به تعریفی مناسب از دینداری برسیم. هیمل فارب (۱۹۷۵) با بررسی برخی از سنخ‌شناسی‌های پایبندی دینی (دینداری) مشکل تعریف این نوع سنخ-شناسی‌ها را چنین توضیح داده‌است که پژوهشگران معمولاً پایبندی دینی را تعریف نمی‌کنند یا تعریف پایبندی دینی از ابعاد پایبندی دینی که خود پژوهشگران آن را طرح‌ریزی کرده‌اند، مشتق می‌شود. او با یادآوری ضرورت تعریف مقدماتی پایبندی دینی، آن را عبارت از میزان تأثیر دین فرد، بر علائق، اعتقادات و فعالیت‌های فرد می‌داند (سراج‌زاده، توکلی، ۱۳۸۰: ۱۶۸).

شجاعی‌زند دینداری را این‌گونه تعریف می‌کند: «دینداری صفتی است فردی که در آن فرد بر الگوها و دستورات یک دین پایبند است؛ نگرش خاصی به هستی پیدا می‌کند و شخصیت و کنش‌هایش متمایز از دیگران می‌شود» (شجاعی‌زند، ۱۳۸۶).

به اعتقاد طالبان (۱۳۸۰: ۱۰) «دینداری یا تدین حالت انسان است که دین متعلق آن به شمار می‌رود. در واقع اطلاق لفظ دینداری هنگامی صورت می‌گیرد که مردم یا گروهی از افراد، تمام یا بخشی از تعالیم و دستورهای دینی (اعم از عقاید، مسائل اخلاقی و احکام) را پذیرفته باشند. بنابراین در مقام تعریف، می‌توان اظهار نمود که دینداری یا تدین عبارت است از التزام فرد به دین مورد قبول خویش. این التزام در مجموعه‌ای از اعتقادات، احساسات و اعمال فردی و جمعی که حول خداوند (امر قدسی) و رابطه ایمانی با او دور می‌زند و سامان می‌پذیرد»

برای در نظر گرفتن تعریفی مناسب از دینداری، یادآوری این نکته اساسی ضروری است که تعریف دینداری بستگی به نوع دین دارد - نکته‌ای که هر سه تعریف اخیر نیز

به نحوی به آن اشاره داشتند - و به عبارت دیگر دینداری دارای ابعاد و اجزایی است که از وجوه مختلف دین منبعث می‌گردد و برحسب رویکرد و محتوای متفاوت ادیان، تعاریف متفاوتی می‌پذیرد. چیستی دینداری، اولاً مقدم بر بحث از وضع دینداری است و ثانیاً یک دعوی کلامی است که تنها با مراجعه به متن مقدس یک آیین یا بررسی تجربه و تعالیم نخستین آن، قابل رفع و فصل است. (شجاعی زند، ۱۳۸۴: ۳۷-۳۴، ۳۶)

با توجه به این که جامعه ما جامعه‌ای اسلامی است، می‌توان به‌طور مستقیم از ابعاد مورد اجماع در اسلام سراغ گرفت، که برحسب «تعابیر مختلف ابعاد دین در اسلام سه بعد اعتقادات، عبادات، اخلاق و با تفصیل بیشتر پنج بعد اعتقادات، ایمان، عبادات، اخلاق و امور شرعی ذکر شده است» (شجاعی زند، ۱۳۸۴: ۵۳-۵۲)؛ بنابراین دینداری را می‌توان: «اعتقاد به آموزه‌های دینی، ایمان و دل بستگی به آنها، پایبندی به مناسک، احکام، دستورات، آداب عملی (متشرع بودن و عبادت کردن) و تعامل دین با پسند دیگران (مسائل اخلاقی)» دانست. این تعریف می‌تواند در اتخاذ مدل نظری مناسب از دینداری ما را رهنمون باشد.

مسئله‌ای که منجر به انجام این تحقیق گردید، استفاده مکرر پایان‌نامه‌ها، مقالات و طرح‌های پژوهشی از مدل دینداری گلاک و استارک برای سنجش میزان دینداری جوانان و دانشجویان بود؛ به‌طوری‌که گویی جامعه علمی ایران از ارائه مدلی بومی و منطبق با فرهنگ و دین موجود در کشورمان عاجز است. در مسئله بودن استفاده بسیار زیاد از مدل گلاک و استارک همین بس که این مدل دارای سابقه مسیحی است و استفاده از آن برای جامعه‌ای مسلمان و با اکثریت شیعه عمل سزاواری نیست.

دانشگاه افسری امام علی^(ع) مهد پرورش دانشجویان و افسران آینده ارتش جمهوری اسلامی ایران است، بنابراین رصد میزان دینداری دانشجویان دانشگاه افسری امام علی^(ع) به‌عنوان آینده سازان ارتش جمهوری اسلامی ایران خود یک ضرورت و تکلیف درجه اول است. به طور کلی آنچه تحقیق حاضر در پی آن است:

الف) معرفی یک الگو یا مدل منسجم از دینداری از طریق نقد و بررسی و مقایسه دو مدل دینداری گلاک و استارک و شجاعی‌زند است به طوری‌که مدل انتخاب شده بیشترین تطابق را نیز با فرهنگ دینی جامعه ایران داشته‌باشد.

ب) سنجش میزان دینداری دانشجویان دانشگاه افسری امام علی (ع) که تربیت دینی آنها از اولویت‌های این مجموعه نظامی - فرهنگی است.

ادبیات تحقیق

سید حسین سراج‌زاده و مهناز توکلی (۱۳۸۰) در مقاله خود با عنوان «بررسی تعریف عملیاتی دینداری در پژوهش‌های اجتماعی» ضمن مرور اجمالی بر سابقه مباحث مربوط به تعریف عملیاتی دینداری و معرفی الگوی گلاک و استارک، مسئله چند بعدی بودن مفهوم دینداری را بررسی کرده‌اند. آنها الگوی گلاک و استارک را برای هر مطالعه دینداری، مناسب و کاربردی دانسته و از طرفی تلاش برای رسیدن به الگویی بین فرهنگی از دینداری برای سنجش دینداری در میان ادیان و دیگر فرهنگ‌ها را ضروری دانسته‌اند (که این دو نتیجه متناقض است).

شجاعی‌زند (۱۳۸۴) در مقاله خود با عنوان «مدلی برای سنجش دینداری در ایران» پس از نقد و بررسی مدل‌های مختلف دینداری، مدل خود را به عنوان مدلی بومی و منطبق با فرهنگ جامعه ایران ارائه می‌دهد که همسو با تحقیق حاضر است، اما تحقیق حاضر بر خلاف تحقیق شجاعی‌زند که به طور کلی مدل‌های مختلف دینداری را نقد و بررسی کرده است به طور خاص و جامع‌تر به مقایسه مدل وی با مدل گلاک و استارک پرداخته است.

محمد رضا پویافر (۱۳۸۶) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی مقایسه‌ای سنجه‌های دینداری»، سنجه‌های دینداری گلاک و استارک، شجاعی‌زند و یک سنجه روانشناختی (خدایاری‌فر) را با هم مقایسه کرده و در پایان به این نتیجه رسیده

است که اعتبار و پایایی هر سه سنجه در سطح مناسب و مطلوبی است. به نظر می‌رسد پویافر در مقایسه‌های خود وزن بیشتر بومی بودن و پایه‌های نظری مدل‌ها را تا حدی نادیده گرفته است.

چارچوب نظری

برای سنجش دینداری، مقیاس‌های متعددی طراحی گردیده است که عمدتاً از دهه شصت میلادی به این سو شکل گرفته اند. بینگر (۱۹۷۰)، لسنکی (۱۹۶۱)، فوکویاما (۱۹۶۱)، دیجانگ، فالکنر و وارلند (۱۹۷۶)، کینگ و هانت (۱۹۷۲)، کورن‌وال، البرخت، کانینگهام، پیچر (۱۹۸۶)، گلاک و استارک (۱۹۶۵، ۱۹۷۰) و دیگران هر یک مدل‌ها و مقیاس‌های مختلفی را برای سنجش اعتقادات و اعمال دینی، نگرش‌های دینی، جهت‌گیری مذهبی، رشد دینی، تعهد مذهبی، تجربه دینی، ارزش‌های دینی و نظیر آن طراحی کرده‌اند. (هیل و هود، ۱۳۸۲)

از بین مدل‌های غربی^۱ سنجش دینداری، مدل گلاک و استارک^۲ (۱۹۷۰) جهت نقد و بررسی انتخاب شده است. علت انتخاب این مدل از بین تمامی مدل‌های موجود، این است که این مدل بنا به شواهد پژوهشی موجود مشهورترین (سراج‌زاده، توکلی، ۱۳۸۰: ۱) و پر کاربردترین مدل بوده و به تعریف ما از دینداری نزدیک است، و بیش از سایر

۱- پایان‌نامه‌ها و پژوهش‌های مختلفی از جمله سراج‌زاده، توکلی (۱۳۸۰)، مصری (۱۳۸۵) و ... پس از نقد مدل‌های غربی دینداری نام برده شده در بالا، سرانجام به مدل گلاک و استارک با کمی تغییر رسیده‌اند لذا ما دوباره کاری نکرده و از تکرار نقدی که قبلاً شده‌اند، جلوگیری می‌کنیم.

۲- مرحوم علامه محمد تقی جعفری تقسیم‌بندی پنجگانه از ابعاد دینداری را یکی از عالی‌ترین تقسیم‌بندی‌هایی دانسته که در زمینه دینداری انجام شده و توجه به آن را برای محققان، ضرورت درجه اول خوانده است و جامعه شناسی دین [دینداری] را بدون این تقسیم‌بندی، قطعاً ناقص می‌داند. (ویلیم،

مدل‌ها، آزمون خود را پس داده است و یا به عبارت دیگر اجماع اساتید فن را در استفاده از آن به همراه آورده است.

به‌عنوان مثال سراج‌زاده پس از نقد مدل‌های مختلف دینداری، بیان می‌کند: «با اینکه در بین جامعه‌شناسان توافق حاصل شده که ابعاد دینداری در هر مطالعه‌ای متفاوت با دیگری است اما با وجود این، به نظر می‌رسد که الگوی گلاک و استارک برای مطالعه هر نوع دین و در هر تحقیقی که دینداری را یک متغیر در نظر می‌گیرد، الگویی مناسب و کاربردی باشد؛ با این حال، وی این نکته را نیز خاطر نشان می‌کند که بیشتر تحقیقات تجربی که چند بعدی بودن دینداری را مورد آزمون قرار داده‌اند، در فرهنگ غربی، به ویژه در آمریکا، صورت گرفته‌اند.

بنابراین، برای عرضه الگویی بین‌فرهنگی از دینداری، باید مطالعات مربوط به سنجش دینداری در میان فرهنگ‌ها و ادیان دیگر را هم دنبال کرد» (سراج‌زاده، توکلی، ۱۳۸۰: ۱۷۶) این‌گونه نظرات ما را رهنمون می‌سازد که به مدل‌های داخلی نیز توجهی داشته باشیم، لذا از بین مدل‌های داخلی، مدل شجاعی‌زند به علت بومی بودن، شباهت زیاد به مدل گلاک و استارک و همچنین استفاده قبلی در دو پژوهش دانشگاهی (حبیب‌زاده، ۱۳۸۴ و میرزایی ۱۳۸۸) مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. در واقع مدل نظری دینداری در این تحقیق، مدلی است که پیروز میدان مصاف این دو مدل باشد.

در این قسمت از بین دو مدل نظری دینداری، مدلی را برای سنجش دینداری انتخاب می‌کنیم که دارای ویژگی‌های فنی جامع بودن در پوشش مفهومی دینداری، عدم یا کمتر همپوشانی ابعاد دینداری^۱ (سراج - زاده، توکلی، ۱۳۸۰: ۱۶۹) و ویژگی که از دو

۱- هر بعد از دینداری مفهومی متمایز و مجزا از دیگر ابعاد را داشته باشد. (مانع بودن تعریف)، برای مطالعه بیشتر در مورد قواعد و شرایط تعاریف به منبع زیر مراجعه شود: نبوی، لطف اله؛ ۱۳۸۴؛ مبانی منطق و روش‌شناسی؛ تهران: دفتر نشر آثار علمی دانشگاه تربیت مدرس، صص: ۴۹-۴۶.

ویژگی قبلی بسیار مهم تر است، سازگاری بیشتر مدل با متون اسلامی و وضعیت مذهبی جامعه خودمان و همچنین تعریف ما از دینداری، باشد.

مدل دینداری گلاک و استارک (۱۹۶۵، ۱۹۷۰)

از ابتدای دهه ۱۹۶۰، که برای اولین بار اندیشه ماهیت چند بعدی دین مطرح شد، تحقیقات و بحث‌های زیادی صورت گرفته است. با وجود این، به نظر می‌رسد، اکنون بحث‌های قدیمی در مورد چند بعدی بودن دینداری، اهمیت خود را از دست داده‌اند و این نکته را عموماً پذیرفته‌اند که دین نمی‌تواند پدیده‌ای تک‌بعدی باشد. با آنکه واچ (۱۹۵۱) برای نخستین بار این نکته را مطرح کرد که تجربه دینی در همه ادیان جهان دارای سه بعد است، اما آثار گلاک و استارک توجه پژوهشگران را به سوی تعریف چند بعدی از دینداری جلب کرد؛ به طوری که بحث چند بعدی بودن با نام آنها پیوند خورده است (سراج‌زاده، توکلی، ۱۳۸۰: ۱۶۳).

گلاک طی دو دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی در تلاش برای فهم و تبیین دین در آمریکا بحث ابعاد التزام دینی را در این کشور زنده کرد. وی با همکاری رادنی استارک در سال ۱۹۶۵ به شرح و بسط مدل جدیدی از دینداری پرداخت. هدف اصلی آنها، عموماً درک شیوه‌های مختلفی بود که مردم با توسل به آن، خود را مذهبی تلقی می‌کردند. به اعتقاد گلاک و استارک همه ادیان جهانی، علی‌رغم تفاوت بسیار زیاد در جزئیات، دارای حوزه‌های کلی هستند که دینداری در آن حوزه‌ها - یا به عبارت بهتر ابعاد - جلوه‌گر می‌شود. شهرت گلاک و استارک به دلیل پیشنهاد و اجرای سنجه چندبعدی دینداری است که مدعی شده‌اند به رغم زمینه و صبغه مسیحی و غربی آن، قابلیت به‌کارگیری و تعمیم به هر یک از ادیان جهانی را هم دارد (گلاک و استارک، ۱۹۶۵: ۱۹؛ استارک و گلاک: ۱۹۷۰: ۱۴) آنها برای دینداری چهار بُعد اصلی «باور»^۱، «عمل»^۲، «تجربه»^۳ و

1-Belief
2-Practice
3-Experimental

«دانش»^۱ را تحت عنوان «ابعاد عمومی التزام دینی»^۲ مطرح کرده‌اند. این ابعاد چهارگانه در سطح مقیاس‌های اولیه، به پنج شاخص تقسیم شده‌اند که افزایش آن ناشی از تفکیک بُعد عمل، به دو شاخص «اهتمام مناسکی»^۳ و «عبادی»^۴ است. در مقیاس‌های ثانویه، شاخص‌ها نهایتاً به هشت عدد افزایش یافته است که اول آنکه ناشی از تفکیکی است که در بُعد «باور» صورت گرفته است و دوم آنکه به دلیل افزودن دو مقیاس ثانویه اضافی است که ناظر به روابط اجتماعی دینداران است^۵ (استارک و گلاک، ۱۹۷۰: ۱۷۵).

جدول شماره ۱: مدل دینداری گلاک و استارک

ابعاد عمومی التزام دینی	مقیاس‌های اولیه	مقیاس‌های ثانویه
باور	شاخص راستکشی	شاخص برگزیدگی
		شاخص اخلاقگرایی
عمل	شاخص مناسکی	
	شاخص عبادی	
تجربه	شاخص تجربه دینی	
دانش	شاخص دانش دینی	
		شاخص مشارکتی شاخص‌های ارتباطی شاخص معاشرتی

ابعاد دینداری مورد نظر گلاک و استارک به شرح ذیل هستند:

– بعد باور: عبارت است از آنچه که انتظار می‌رود، پیروان یک دین بدان‌ها اعتقاد داشته باشند. گلاک و استارک این باورها را در هر دین به سه نوع تقسیم کرده‌اند: «باورهای

- 1-Knowledge
- 2-General Dimensions Of Religious Commitment
- 3-Ritual Involvement
- 4-Devotionalism

۵- لازم به ذکر است که مدل اولیه آنها، پنج بعدی و شامل ابعاد «تجربی» (Experimental)، «مناسکی»

(Retualistic)، «ایدئولوژیکی» (Ideological)، «اندیشه‌ای» (Intellectual) و «پی‌آمدی»

(Consequential) بوده است. برای تفصیل نگاه کنید به: گلاک و استارک (۱۹۶۵)

پایه‌ای مسلم^۱ که ناظر بر شهادت به وجود خدا و معرفی ذات و صفات اوست. باورهای غایتگرا^۲ که هدف و خواست خدا از خلقت انسان و نقش انسان را در راه نیل به این هدف نشان می‌دهند. باورهای زمینه ساز^۳ که روش‌های تأمین اهداف و خواست خداوند و اصول اخلاقی‌ای را که بشر برای تحقق آن اهداف باید به آنها توجه کند، دربرمی‌گیرد (سراج زاده، توکلی، ۱۳۸۰: ۱۶۴) همانطور که قبلاً گفته شد گلاک و استارک، و بعد عقیدتی را بُعد ایدئولوژیکی هم نامیده‌اند.

- **بعد عمل:** مشتمل بر دو دسته‌اند؛ نخست، شعایر یا مناسک که عبارت است از آداب و رسوم فرموله‌شده یا رفتارهای نمونه‌ای در میان معتقدان هردین یا به‌طور کلی مراسمی که هر دین از پیروان خود انتظار دارد که آنها را به‌جا آورند. دیگری، پرستش و دعا که اعمالی فردی، خصوصی و غیررسمی هستند که فرد آن را فقط با رضایت خاطر و بدون هیچ‌گونه اجباری انجام می‌دهد. (طالبان، ۱۳۸۰: ۱۱)

- **بعد تجربه:** تجربه دینی با درون شخص، احساسات و تجربیات فرد دین‌دار مرتبط است. احساسات و عواطف دینی وجه عالی‌تری از دینداری است که کاملاً قلبی و درونی بوده و برخلاف مناسک و مراسم آیینی نمود بیرونی ندارد؛ دیندارانی که این بعد را کسب می‌کنند، «مؤمن» و «مخلص» نامیده می‌شوند. در واقع تجربه «واقع‌ه‌ای است که شخص از سر می‌گذراند (خواه بعنوان عامل و خواه بعنوان ناظر) نسبت به آن آگاه و مطلع است. تجربه دینی را غیر از تجربه‌های متعارف می‌دانند، یعنی شخص متعلق به این تجربه، یا وجود حضوری مافوق طبیعی دارد، (خداوند یا تجلی خدا در یک فعل) یا آن را موجودی می‌انگارند که به نحوی با خدا مربوط است. (تجلی خدا در شخصیتی مقدس) و یا آن را حقیقتی غایی می‌پندارند. حقیقتی که توصیف ناپذیر است» (پترسون، ۱۳۸۳: ۶۳): به عبارت دیگر می‌توان گفت که بعد تجربه

1- Warranting
2- Purposive
3- Implementing

یا عواطف دینی، در عواطف، تصورات^۱ و احساسات در برقراری رابطه با وجودی همچون خدا که واقعیتی غایی یا اقتدار متعالی است، ظاهر می‌شود (سراج‌زاده، توکلی، ۱۳۸۰: ۱۶۵).

گلاک و استارک تجربه دینی را چندین نوع می‌دانند:

- ۱- تأییدی^۲: حس مودت و تأیید به وجود خدا.
- ۲- ترغیبی^۳: گزینش آگاهانه خدا و اشتیاق به او.
- ۳- شیدایی^۴: حس صمیمیت و شور و وجد نسبت به خدا.
- ۴- و حیانی^۵: مورد اعتماد خدا واقع شدن و کارگزار و فرستاده خداوند بودن (مهدی‌زاده، ۱۳۷۹: ۲۵).

بعد دانش: اطلاعات و دانش اساسی در مورد اصول عقاید دینی و کتب مقدس را که انتظار می‌رود پیروان، آنها را بدانند، شامل می‌شوند (سراج‌زاده، توکلی، ۱۳۸۰: ۱۶۵) دانش دینی، آگاهی به متون دینی است که می‌تواند الگویی برای باور، عمل و تجربه دینی باشد.

بعد پی‌آمدی: به اعمال و یا پیامدهایی گفته می‌شود که ریشه در باور، عمل، تجربه و دانش دینی فرد دیندار دارد. این بعد در میان ابعاد مدل دینداری گلاک و استارک پس از مدتی حذف شد. علت حذف آن، این است که گفته می‌شود، بعد پیامدی، فی نفسه پیامد دینداری است نه بعدی از ابعاد آن. همان‌طور که قبلاً گفته شد، شاید بتوان گفت که نقد افرادی مثل هیمل فارب و بینگر^۶ به بعد پی‌آمدی مدل گلاک و استارک،

1- Perceptions

2- Confirming

3- Responsive

4- Ecstatic

5- Revelational

۱- نقد بینگر (۱۹۷۰: ۲۷) به گلاک و استارک، این است که چرا جنبه پیامدی دین را که یک متغیر وابسته است، در کنار ابعاد دینداری قرار داده است که متغیرهای مستقل و مداخله‌گر هستند.

به تجدید نظر در ایده اولیه این دو و خارج کردن بعد پی‌آمدی از همترازی با ابعاد چهارگانه پیشگفته، منجر شد (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴: ۴۳).

نقد مدل گلاک و استارک

ضعف‌های مدل گلاک و استارک را می‌توان تحت دو عنوان کلی عدم جامع بودن^۱ و عدم مانع بودن^۲ در پوشش نظری مفهوم دینداری بیان کرد:

عدم جامع بودن

- اولین اشکال آشکار مدل گلاک و استارک نادیده گرفتن احکام و دستورات شرعی و یا به عبارت دیگر امور شرعی (احکام طهارت و نظافت، خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها، امر به معروف و نهی از منکر و ...) است که این خود ناشی از تأثیر آموزه‌های مسیحی و در نتیجه بومی نبودن و یا عدم تطابق با شرایط مذهبی جامعه ایران است.

- نقد دیگری که جامع بودن مفهومی مدل دینداری گلاک و استارک را زیر سؤال می‌برد، فقدان بعد مسائل اخلاقی (صداقت داشتن، غیبت نکردن، صبور بودن و ...) در این مدل است. دلایل نبودن این بعد - و تا حدی فقدان بعد امور شرعی - را می‌توان سیطره نگرش‌های سکولاریستی، الهیات لیبرال و رهنمودهای فردگرایانه آن دانست که دین و به تبع آن دینداری را دغدغه‌های خصوصی افراد می‌دانند. و این مطلب با ویژگی مسائل اخلاقی مذهبی که در تعاملات با دیگران تحقق می‌یابد کاملاً در تضاد است. بنابراین طبیعی است که دین‌پژوهان غربی که تا حد زیادی تحت نفوذ نگرش‌های سکولار هستند مسائل اخلاقی و آموزه‌های دینی (به عنوان بعدی از دینداری) را برنتابند.

۲- بدین معنا که فاقد بعضی از ابعاد دینداری باشد.

۳- بدین معنا که بعضی از مؤلفه‌ها که به عنوان ابعاد دینداری تلقی می‌شوند، در اصل نباید جزء ابعاد دینداری محسوب شوند.

عدم مانع بودن

- با توجه به اینکه بیشتر پژوهش‌های سنجش دینداری در بین دانش‌آموزان و به‌ویژه دانشجویان انجام شده و در قالب پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی اتفاق می‌افتد در اینجا نقدی از موضع عدم مانع بودن در تعریف‌های ارائه شده وارد است؛ اگر سنجش دانش دینی دانشجویان با معرف‌هایی همچون میزان مطالعه دینی، آگاهی و اطلاع از احکام، دستورات و به‌طور کلی آموزه‌های دینی باشد، این سنجش تا حد زیادی دور از واقعیت خواهد بود؛ دلایل ما برای این مدعا این است که:

۱- قانداً کار دانشجوی مطالعه، نقد و به‌طور کلی «دانش‌جو بودن» است پس دانش دینی‌اش هم می‌تواند یکی از دانش‌هایی باشد که تنها به صرف دانشجوی بودنش به آنها رسیده است نه دیندار بودن!

۲- جامعه ما جامعه‌ای به شدت مذهبی است و مذهب در لایه‌های مختلف آن از خانواده و رسانه گرفته تا محیط‌های آموزش و احیاناً شغلی دولتی رسوخ کرده است. در چنین جامعه‌ای که دانشجوی از دوران مدرسه تا دانشگاه تحت تعلیمات دینی اجباری همچون واحدهای درسی معارف اسلامی، اخلاق اسلامی، اندیشه اسلامی، تاریخ اسلام و ... قرار دارد می‌توان گفت که دانش-دینی‌اش به شدت تحت تأثیر این درس‌ها قرار دارد و معرف خوبی برای دینداری‌اش نیست و چه بسا دانشجویانی که علی‌رغم داشتن نمره بسیار بالا در این دروس در اعتقاد و عمل به آموزه‌های فراگرفته شده بسیار ضعیف هستند چون به آنچه دانش دارند، اعتقادی ندارند. پس می‌توان گفت نمره حاصل از سنجش بعد دانش دینی، در واقع نمره تلاش علمی و معلومات دینی دانشجویان است که در فرایند طولانی جامعه‌پذیری مذهبی - از کودکی تا به آن روز - تحت حاکمیت یک نظام دینی کسب کرده‌اند نه بخاطر تعلق خاطر مذهبی و دیندار بودن.

۳- البته ناگفته نماند که به طور حتم در بین دانشجویان کسانی هم هستند که دانش دینی‌شان به خاطر علاقه‌مندی به مسائل مذهبی است و نشانی از دینداریشان می‌دهد که بهتر است برای جلوگیری از ایجاد خطا در سنجش بعد دانش و به‌ویژه بین دانشجویان از آن صرف‌نظر کرد.^۱

- اشتیاق به خدا، حس صمیمیت و شور و وجد نسبت به او، و از همه مهم‌تر مورد اعتماد خدا واقع شدن و کارگزار و فرستاده خداوند بودن، به عنوان تجربه دینی در نزد گلاک و استارک، پیچیده‌تر، عمیق‌تر و نادرتر از آن هستند که بتوان از آنها به عنوان بعدی از دینداری برای سنجش دینداری افراد عادی از نظر مذهبی از جمله دانشجویان استفاده کرد که به اعتقاد من اگر تجربه دینی را به عنوان بعدی از دینداری در نظر بگیریم در واقع به‌طور غیر مستقیم اعلام کرده‌ایم حجم نمونه مورد مطالعه، عرفا و مراجع تقلید (دینداران خاص) هستند نه دینداران معمولی.

- به اعتقاد هیمل فارب (۱۹۷۵) از عوامل تعیین‌کننده ابعاد دینداری در هر مطالعه‌ای، نمونه جمعیت آن تحقیق است، بنابراین سؤالی که در اینجا به ذهن خطور می‌کند این است که چند درصد از افراد عادی همچون دانش‌آموزان، دانشجویان و در کل جوانان و مردم عادی که معمولاً حجم نمونه هستند، دارای چنین حالات معنوی خاصی هستند؟ شجاعی‌زند (۱۳۸۴: ۶۴) جواب این سؤال را به خوبی بیان می‌کند: «به نظر می‌رسد که چون مصادیق نادری از اشخاص واجد این صفات وجود دارد،

۱- هیمل فارب، شجاعی‌زند، سراج‌زاده و توکلی نیز با انتقاد به این بعد هر یک به نوعی آن را از گردونه ابعاد دینداری خارج می‌کنند:

- شجاعی‌زند (۱۳۸۴: ۴۹) آن را نشانه دینداری می‌داند نه بعدی از آن.

- سراج‌زاده و توکلی (۱۳۸۰: ۱۷۵) این بعد را در کشورهایی که آموزش دینی جزء آموزش‌های اجباری در مدارس است، سنجه مناسبی برای دینداری نمی‌داند.

- هیمل فارب (۱۹۷۵: ۶۰۸) نیز به دلیل اینکه دانش افراد به عوامل زیادی به خصوص قدرت حافظه و میزان تحصیلات آنها بستگی دارد، این بعد را معرف مناسبی برای دینداری نمی‌داند.

گنجاندن آن در سنجه‌های دینداری که مطالعه‌ای است عام بر روی «اوساط‌الناس»^۱، چندان کاربردی برای مطالعات دینداری در این سطح نداشته باشد؛ ضمن این‌که روش‌های خاصی برای سنجش آن لازم است که شاید هنوز ابداع و بکار گرفته نشده باشد.^۲

اما تجربه دینی تأییدی از نظر گلاک و استارک - که حس مودت و تأیید به وجود خدا را مطرح می‌کند - را می‌توان مستثنی کرد و نقدهای گفته‌شده را نمی‌توان بر آن رواداشت. این تجربه دینی برخلاف انواع ترغیبی، شیدایی و وحیانی تا حدی قابل سنجش است که به نظر می‌رسد شجاعی‌زند آن را تحت عنوان نه تجربه دینی، بلکه ایمانیات، در کنار سایر موارد معرف مؤمن بودن، مورد سنجش قرار داده‌است که در ادامه بیشتر توضیح خواهیم داد.

مدل دینداری شجاعی‌زند (۱۳۸۴)

علیرضا شجاعی‌زند از اساتید جامعه‌شناسی دین در ایران، پس از نقد مدل‌های مختلف غربی از دینداری، مدلی را برای دینداری معرفی می‌کند که به نظر می‌رسد بیشتر با آموزه‌های دین اسلام و شرایط مذهبی جامعه ایران تطابق داشته‌باشد. وی معتقد است که مدل‌های غربی همگی در دو ویژگی: ملهم بودن از آموزه‌های مسیحی و متأثر شدن

۱- جامعه‌شناسی اساساً علمی است درباره اوسط الناس. به علاوه بیت‌هالامی و آرچیل به این جنبه نیز توجه داده‌اند که چون منحنی دینداری هر جامعه، به توزیع نُرمال نزدیک است و اکثریت قریب به اتفاق جمعیت، در وضعیت میانه و در دامنه متعارف و نسبتاً متعارف قرار می‌گیرند، ضرورتی برای پرداختن به مصادیق خاص و نادر دینداری وجود ندارد. (برای تفصیل نگاه کنید به: بیت‌هالامی و آرچیل، ۱۹۷۷: ۳۴-۵)

۲- شجاعی‌زند در مقاله «تبارشناسی تجربه دینی» در مطالعات دینداری، ایرادات بسیار اساسی به تجربه دینی به عنوان بعدی از دینداری وارد کرده است. شجاعی‌زند بیان می‌کند که پذیرفتن تجربه دینی به عنوان گوهر اصیل دین و مقدم بر عقیده و عمل، تا حد بسیار زیادی می‌تواند دین را از وضع و صورت تاریخی و حیات مؤثرش در جوامع و تمدن‌های بشری و اسلوبی برای زندگی خارج سازد و به یک تعلق خاطر شخصی در اوقات فراغت نوادری از انسان‌ها بدل نماید. به علاوه وی که این تلقی را نخبه‌گرایانه و غیر واقعی می‌داند. (برای تفصیل نگاه کنید به شجاعی‌زند، ۱۳۸۷؛ ۱۳۸۴: ۴۹-۵۰، ۶۴-۶۳)

از فرآیندهای تاریخی - اجتماعی غرب مشترک هستند و وجود همین دو ویژگی، امکان بهره‌برداری از این مدل‌ها را در بسترهای دینی و اجتماعی مغایر، دشوار ساخته؛ هرچند مانع از انجام برخی تمرینات در مطالعه دینداری با استفاده از سنجه‌های مشهورتر آنان نگردیده است (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴: ۳۴). به اعتقاد وی ویژگی‌های یادشده از مدل‌های غربی ما را به داشتن مدلی بومی برای سنجش دینداری در جامعه ایران - که شرایط تاریخی، دینی بسیار مغایر با غرب و آموزه‌های مسیحیت دارد نیازمند می‌کند. قبل از پرداختن به خود مدل، ابتدا مروری بر پیش‌فرض‌ها و یا پایه‌های معرفتی مورد نظر شجاعی‌زند برای ارائه مدل دینداری، ضروری است:

۱- دین، برای انسان است؛ لذا نمی‌تواند ناظر به جنبه‌ها و ابعادی فراتر از ابعاد وجودی انسان باشد.

۲- با توجه به آرای اجتماعی فلاسفه و متکلمان مسلمان و شایعترین الگوی انسان‌شناختی، انسان دارای سه بعد وجودی ذهن، روان و تن است.

۳- با تأمل در فحوای ادیان و آموزه‌ها و تعالیم آنها، سه جنبه «معرفتی»، «عاطفی» و «رفتاری (عملی و ارادی)» در آنها قابل تشخیص است.

۴- صور تفصیل یافته و ترکیب شده این سه جنبه، وجوه دیگری از دین را عرضه می‌دارد که عبارتند از: «عقیده»، «ایمان»، «عبادت»، «اخلاق» و «شریعت» که هر کدام در یک یا دو وجه از ابعاد وجودی انسان و دین ریشه دارند.

بنابراین، دینداری را نیز اگر تأثیر و تجلی کم یا زیاد دین در ذهن، روان و رفتار فرد بدانیم و آن را از طریق ابعاد تفصیل یافته‌اش، یعنی عقیده و ایمان و عبادت و اخلاق و شریعت دنبال کنیم؛ با ابعاد پنجگانه زیر می‌توان شناخت: معتقدبودن؛ مؤمن‌بودن؛ اهل عبادت‌بودن؛ اخلاقی عمل‌کردن؛ متشرع‌بودن.

شجاعی‌زند در مدل پیشنهادی خود علاوه بر ابعاد دینداری که حداقل‌های مذهبی بودن هستند به نشانه‌ها و پیامدهای دینداری نیز اشاره دارد. در مدل وی اعتقاد و ایمان

به عنوان دو بعد از دینداری از هم تفکیک شده‌اند و همچنین مسائل اخلاقی و شریعت - به عنوان مجموعه دستورات و اوامر صریح و غیرصریح (استنباط شده) دینی - به عنوان دو بعد از دینداری شناخته شده‌اند. این دو بعد در مدل گلاک و استارک از یاد رفته بودند. در مدل مذکور تجربه دینی (اهل معنا بودن) همراه با دیگر پی‌آمدهای دینداری - به عنوان آثار عمیق دینداری - از نشانه‌ها و هردو از ابعاد دینداری جدا در نظر گرفته شده‌اند. همان‌طور که قبلاً گفته شده بود به اعتقاد بسیاری از دین پژوهان پی - آمدهای دینداری، آثار و نتایج سایر ابعاد آن در زندگی افراد است نه از ابعاد دینداری. نشانه‌های دینداری هم شواهد و قراینی بر دیندار بودن فرد هستند نه از ابعاد و اجزای درونی آن. مدل دینداری شجاعی زند را در صفحه بعد می‌توانید مشاهده کنید:

جدول شماره ۲: مدل دینداری شجاعی زند (اصلاح شده، ۱۳۸۶)

ابعاد	وجوه دین	ابعاد دین	نشانه‌های دینداری	پی‌آمدهای	
ذهن	معرفتی	مسائل	معتقد بودن	بیش الهی	
	معرفتی / عاطفی	ایمانیات	مومن بودن	اهل معنا	
	عاطفی/عملی	مسائل عبادی	انجام فردی اهل عبادت بودن انجام جمعی عبادت	عابد	
تن	ارادی	ایمانیات	اخلاقی عمل کردن	متخلق	
	عملی	امور شرعی	متشرع بودن	عمل به	داشتن ظاهر دینی
				تکالیف فردی	ابراز هویت دینی
				عمل به تکالیف جمعی	داشتن اهتمام شعائری
					داشتن مشارکت دینی
					داشتن معاشرت دینی
					اهتمام دینی در
					در تعاملات اجتماعی
در معاملات اقتصادی					

نقاط قوت و ضعف مدل

تفکیک ایمان و اعتقاد از هم به عنوان دو بعد جداگانه از دینداری. این که در بحث دینداری و ابعاد تفصیل یافته آن تفکیک روشنی میان «ایمان» و «اعتقاد» وجود ندارد و غالباً یکی به دیگری تقلیل داده شده است؛ ناشی از غلبه رهیافت مسیحی بر آن است. این تقلیل و آمیزش در بین کاتولیک‌ها، عموماً به نفع «عقیده» صورت می‌گیرد و از سنجش «راست‌کیشی»^۱ دینداران سر در می‌آورد و در میان پروتستان‌ها به جانب «ایمان» میل پیدا می‌کند و در تأکید بر سنجش «تجربه دینی» خود را نشان می‌دهد. (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴: ۴۹-۴۸)

قرار دادن امور شرعی و مسائل اخلاقی به عنوان بعدی از دین و به تبع آن دینداری که در مدل گلاک و استارک به دلایل گفته شده حذف شده و مورد غفلت واقع شده بود. از دیگر نقاط قوت این مدل، خارج کردن دانش دینی و تجربه دینی از ابعاد دینداری و قرار دادن آنها در ستون نشانه‌ها و پی‌آمدها است. بومی بودن مدل، انطباق بیشتر آن با آموزه‌های دین اسلام و شرایط مذهبی جامعه ایران از دیگر جنبه‌های مثبت آن است.

همان طور که شجاعی‌زند (۱۳۸۴: ۶۴-۶۳) خود قبلاً بیان کرده بود، پیامدهای دینداری همچون اهل معنا (تجربه دینی) بودن، متخلق بودن، متقی بودن و ... در این مدل به دلیل پیچیدگی، عمیق بودن و به عبارت دیگر وجه کیفی بسیار بالا، با ابزارهای سنجش کمی همچون پرسشنامه امروزه قابل سنجش نیستند.

این مدل تنها از وجه نظری و یا مفهومی بسیار بالایی برخوردار است و برخلاف سایر مدل‌های دینداری غربی کار پژوهشی کمی بسیار کمی در رابطه با آن صورت گرفته تا در واقعیت کاستی‌ها و نقاط قوت خود را بیشتر نشان دهد.

انتقاد دیگر که بیشتر مدل‌های دینداری را شامل می‌شود این است که اساساً این مدل‌ها به مفهوم دگرگون شده امروز دینداری کمتر توجه کرده‌اند. آنچه در این مدل‌ها، اصل است، تظاهرات بیرونی دیندار بودن و نه جنبه باطنی آن است. در این مدل‌ها، غالباً چند پرسش برای سنجش یک بعد (مانند عقیده) طرح می‌شود و این بعد با تمام گستردگی، به چنین پرسش‌های محدودی تقلیل داده می‌شود. درحالی که فردی ممکن است خود را دیندار بداند، اما باورهایش یا جنبه رفتاری دینداری‌اش در چند مقوله موردنظر محقق، محدود نماند. واقعیت این است که مدل‌های دینداری امروز، معرف انواع دینداری است و ابعاد آن را معین نمی‌کند.

فردی ممکن است به مسجد برود، نماز بخواند، در مراسم دعا و عزاداری شرکت کند و در مفهوم سنتی (کلاسیک)، دیندار نامیده شود، درحالی که مفاهیم یاد شده بخش کوچکی از مفهوم عمیق دینداری است. به همین دلیل مدل‌های دینداری با مشکل کمی‌سازی همه ابعاد دینداری - مخصوصاً جنبه باطنی آن - روبه‌رو هستند. در این تحقیق سعی نموده‌ایم تا حد ممکن براین نقیصه فائق آییم.

انتخاب مدل مناسب

همان‌طور که قبلاً شرح داده بودیم، مؤمن بودن، متشرع بودن و اخلاقی عمل کردن به عنوان سه بعد از دینداری که مورد تأکید آموزه‌های اسلامی هستند در مدل گلاک و استارک وجود نداشت. در حالی که مدل شجاعی‌زند حاوی این ابعاد است که نشان از جامع بودن این مدل، در پوشش مفهومی دینداری است. از طرفی وجه اشتراک این دو مدل در دو بعد اعتقادات و عقیده، و مسائل عبادی و مناسک (عمل) است.

اگر تصور کنیم که بعد تجربه دینی در مدل گلاک و استارک همان بعد ایمانیات در مدل شجاعی-زند است، کاملاً به خطا رفته‌ایم. (شجاعی‌زند ۱۳۸۴: ۵۸) براساس آموزه‌های اسلامی، «عقیده» را محتوای نظری یک آیین می‌داند که ناظر به موضوعات بنیادین

هستی‌شناختی و مسائل غایبی حیات است و «ایمان» را، شدت تعلق و عمق دلبستگی و میزان اعتماد و اتکای به آن محتوا معرفی می‌کند.

این در حالی است که گلاک و استارک تجربه دینی را اشتیاق به خدا، حس صمیمیت و شور و وجد نسبت به او، و از همه مهم‌تر مورد اعتماد خدا واقع شدن و کارگزار و فرستاده خداوند بودن تعریف می‌کنند. تجربه دینی بدین معنا در مدل شجاعی‌زند نه تنها ذیل ایمان قرار نمی‌گیرد بلکه پی‌آمد عمیق، پیچیده و نادری از ایمان و سایر ابعاد دینداری است برای افراد نادر یا به بیان ویلیام جیمز (۱۹۸۲) «مردان دینی فوق‌العاده»^۱ (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴: ۶۴-۶۳)

برای روشن شدن رابطه ایمان و تجربه دینی، کن ویلبر (۱۹۸۳: ۷۴-۶۵) به نقل از شجاعی‌زند، (۱۳۸۷) بیان روشنگری دارد که مؤید مطالب گفته‌شده در بالاست، برخلاف غالب دین‌پژوهان متأخر غربی، وی تفاوت میان «باور»، «ایمان» و «تجربه دینی» را به درستی تشخیص داده است، اما از آنها نه به عنوان وجوه، بلکه گونه‌های تدین یاد کرده است که از حیث درجه و میزان «درگیرشدن دینی»^۲ به ترتیب فزونی گرفته و تعمیق یافته‌اند. او معتقد است که آنها همچون دوایر تو در تو، دربردارنده هم نیستند، بلکه مراحل متکاملی از دینداری‌اند که الزاماً مقوم و مکمل هم نیز نیستند:

باور ← ایمان ← تجربه دینی

ناگفته نماند که تجربه دینی تأییدی از نظر گلاک و استارک - که حس مودت و تأیید به وجود خدا را مطرح می‌کند - را می‌توان مستثنی کرد. به نظر می‌رسد این تجربه دینی برخلاف انواع ترغیبی، شیدایی و وحیانی، بین دینداران معمولی و یا عامه مردم می‌تواند عمومیت داشته باشد و تا حدی قابل سنجش است که ما آن را تحت

1- Religious Man Of The Extremier Type

2 -Religious Involvement

عنوان نه تجربه دینی، بلکه ایمانیات، در کنار سایر موارد معرف مؤمن بودن، قرار می‌دهیم.

بنابراین می‌توان به جای تجربه دینی از بعد ایمان به عنوان سطحی پایین‌تر از آن و موجود در بین عموم مردم استفاده کرد. بعد دانش دینی گلاک و استارک به دلایل گفته شده در نقد و بررسی مدل‌شان، قابل استفاده نیست.^۱ بدین ترتیب در این تحقیق مدل دینداری مناسب تقریباً مدل پیشنهادی شجاعی‌زند با قابلیت سنجش حداقل‌های دینداری (در سطح ابعاد) خواهد بود که دلایل برتری آن از مدل گلاک و استارک در این مطالعه از توضیحات داده‌شده در بالا به وضوح پیدا است اما به جهت جمع‌بندی مطالب، در پایین به طور خلاصه به دلایل انتخاب آن اشاره می‌کنیم:

۱- جامع بودن مدل در پوشش مفهومی دینداری که البته خود دلیل بومی بودن آن و تبع تطابق بیشتر آن با آموزه‌های اسلامی و شرایط تاریخی - مذهبی جامعه ایران نسبت به مدل گلاک و استارک. در این مدل امور شرعی، مسائل اخلاقی و ایمان به عنوان بعدی از دین و به تبع آن دینداری - که در مدل گلاک و استارک به دلایل گفته شده - گنجانده شده است.

۲- مانع بودن مدل در پوشش مفهومی دینداری. در این مدل دانش دینی و تجربه دینی از ابعاد دینداری - به دلایل گفته شده - خارج شده و در ستون نشانه‌ها و پی‌آمدها قرار گرفته‌اند. همچنین بین ایمان به عنوان بعدی از دینداری و تجربه دینی به عنوان پیامد دینداری تفاوت وجود دارد. با این وجود بعد ایمان که شدت تعلق و عمق دل‌بستگی و میزان اعتماد و اتکا به محتوای نظری یک آیین (اعتقادات) است، همچون پی‌آمدهای دینداری، با روش پیمایش و ابزار پرسشنامه قابل سنجش نیست بلکه نیازمند مشاهده مستمر اعمال و رفتارهای فرد و ارتباط نزدیک با وی است؛

۱- برای آگاهی از انتقادات وارده به دانش دینی، به عنوان بعدی از دینداری رجوع کنید به ص: ۸-۹

بنابراین بعد ایمان نیز به دلیل محدودیت روش شناختی، علی‌رغم اهمیت زیاد آن در تعیین میزان دینداری افراد، کنار گذاشته می‌شود.

جدول شماره ۳: ابعاد دینداری قابل سنجش در مدل شجاعی‌زند

ابعاد دینداری	
معتقد بودن	
انجام فردی عبادت	اهل عبادت بودن
انجام جمعی عبادت	
اخلاقی عمل کردن	
عمل به تکالیف فردی	متشرع بودن
عمل به تکالیف جمعی	

روش تحقیق

همان‌طور که قبلاً اشاره شد در این مطالعه از روش استدلال‌ات قیاسی و منطقی در انتخاب مدل دینداری مناسب برای سنجش دینداری در جامعه خودمان استفاده کرده و از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه به منظور جمع‌آوری داده‌ها بهره‌جستیم.

به این ترتیب که از پاسخ‌گویان خواستیم که نظر خود را در مورد هر یک از گویه‌ها بر روی یک طیف ۵ درجه‌ای از نوع لیکرت («کاملاً موافق» تا «کاملاً مخالف» و یا «همیشه (و یا حداقل روزی یک بار، تقریباً هر روز، هر هفته و یا به ندرت)» تا «هرگز (و یا اصلاً و من اصلاً نماز نمی‌خوانم)») اعلان کنند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها، به کمک نرم‌افزار SPSS انجام گرفت. در سطح توصیفی از میانگین، جداول یک بعدی توزیع فراوانی نسبی و مطلق استفاده شد و در سطح

تحلیلی و به منظور سنجش اعتبار سازه‌ای گویه‌ها از آزمون T مستقل از استفاده‌شده است. در ادامه ابعاد دینداری معرفی شده را تعریف می‌نماییم:

الف) مسائل اعتقادی

تعریف نظری: اعتقادات محتوای نظری یک آیین است که ناظر به موضوعات بنیادین هستی‌شناختی و مسائل غایی حیات است (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴: ۵۸). تعریف عملی: باورهایی را در بر می‌گیرد که انتظار می‌رود پیروان دین اسلام، بدان‌ها اعتقاد داشته‌باشند (سراج‌زاده، توکلی، ۱۳۸۰: ۱۶۴). در این تحقیق سه باور اعتقاد به کفایت دین، شفاعت ائمه، حیات بعد از مرگ و حسابرسی در دنیای دیگر مورد سؤال واقع شدند.

ب) مسائل عبادی

تعریف نظری: منظور از عبادات، کلیه رفتار و آدابی است که فرد در مقام پرستش، نسبت به پروردگار و معبود خویش انجام می‌دهد. عبادت می‌تواند به صورت فردی^۱ جمعی^۲ و در خلوت یا جلوت اجرا شود (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴: ۵۹). تعریف عملی: عبادات فردی شامل نماز، تلاوت قرآن و روزه مستحبی و عبادات جمعی یا مناسک شامل نماز جماعت، نماز جمعه، اعتکاف و دعا در شب‌های احیاء است.

پ) اخلاق

اخلاق را می‌توان صفات راسخ نفسانی اعم از تعامل با دیگران دانست. در این تحقیق اخلاق با معرف‌های دروغ‌نگفتن، غیبت نکردن و بخشش و گذشت مورد سنجش قرار گرفته است.

ت) امور شرعی

تعریف نظری: شریعت، مجموعه دستورات و اوامر صریح و غیرصریح دینی است که در اسلام به عنوان فقه - در صورتی که دستورالعمل‌های عبادی را از آن جدا کنیم -

1 - Devotional

2 - Ritual

خوانده می‌شود. شرعیات مقرراتی است حداقلی که نحوه زندگی در دنیا و تعامل با خود، طبیعت و دیگران را تعیین می‌کند. (همان، ۶۰)

تعریف عملی: مجموعه تکالیفی است که خداوند آنها را حرام، مکروه، واجب و مستحب و مباح کرده است و فرد مسلمان ملزم به رعایت آنها است. این بعد به دو بخش تکالیف فردی و جمعی قابل تقسیم است.

تکالیف فردی در این پژوهش شامل ظاهر دینی، وضعیت ارتباط با نامحرم و تقلید است و تکالیف جمعی نیز شامل ازدواج، تعاملات، شرکت در مجالس عزاداری و سرور و امر به معروف نهی از منکر است.

یادآور می‌شود مفاهیم ظاهر دینی (سؤال ۷، جدول شماره ۷) وضعیت ارتباط با نامحرم (سؤال ۶، جدول شماره ۷) به طور معکوس ارزیابی شده‌اند به طوری که گزینه‌های کاملاً مخالف و مخالف مثبت و بالا، گزینه بی‌نظر، میانه و گزینه‌های موافق و کاملاً موافق منفی و پایین در نظر گرفته شده‌اند.

برای بررسی اعتبار گویه‌ها به دو شیوه عمل شده است: یکی مراجعه به تحقیقات پیشین، اعتبار صوری - بدین ترتیب که با مراجعه به اساتید راهنما و مشاور و حذف و تغییر برخی گویه‌ها، پیرو نظر ایشان، سعی کردیم اعتبار گویه‌ها را افزایش دهیم (ساروخانی، ۱۳۸۳: ۲۸۷).

برای افزایش پایایی گویه‌ها، قبل از توزیع گسترده پرسشنامه، به عنوان پیش‌آزمون ۲۰ پرسشنامه به‌طور تصادفی بین دانشجویان توزیع و پس از شنیدن نظرات برخی دانشجویان درباره جمله بندی، صراحت و... پرسشنامه نسبت به اصلاح آن اقدام کردیم. همچنین از روش پایداری درونی (آلفای کرونباخ) استفاده شد. آلفای کرونباخ سنجه‌ها برابر با ۰/۹۰ است که نشان دهنده پایایی بالای سنجه‌ها است.

واحد تحلیل و مشاهده در این تحقیق فرد است. جامعه آماری این تحقیق، کلیه دانشجویان دانشگاه افسری امام علی^(ع) در نیمسال دوم سال تحصیلی ۹۰-۸۸ بوده و مقطع تحصیلی این دانشجویان کارشناسی است. برای تعیین حجم نمونه از فرمول آماری $n = \frac{t^2 pq}{d^2}$ (حافظنیا، ۱۳۸۲: ۱۳۸) استفاده کردیم که با لحاظ داشتن $p = ۰/۹$ ، $t = ۱/۹۶$ و $d = ۰/۰۵$ حجم نمونه ۱۵۰ نفر حاصل شد. برای انتخاب افراد نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده شده است.

یافته‌های توصیفی پژوهش

نتایج پژوهش نشان می‌دهد باور دینی دانشجویان را می‌توان در حد بسیار بالایی ارزیابی کرد (میانگین ۲/۹۶ از ۳)، به طوری که بیشتر دانشجویان (۹۶ درصد) دارای باور دینی قوی، ۴ درصد دارای باور دینی متوسط بوده و دانشجویانی با باور دینی ضعیف وجود نداشتند. بالاترین و پایین‌ترین نمره به ترتیب مربوط به اعتقاد به دنیای دیگر- حسابرسی بعد از مرگ و توحید با نمره ۴/۸۹ و ۴/۸۴ از ۵ است.

پایبندی دانشجویان به اخلاقیات در مقایسه با دیگر ابعاد کمتر است. (میانگین ۲/۴۱ از ۳) بیشترین و کمترین التزام دانشجویان به اعمال اخلاقی به ترتیب مربوط به گذشت و دروغ نگفتن با نمره ۴/۸۹ و ۳/۵۶ از ۵ است. نمره پایبندی به مسائل عبادی و امور شرعی دانشجویان به ترتیب برابر ۲/۶۲ و ۲/۸۱ از ۳ بوده که نشان دهنده پایبندی بیشتر دانشجویان به این دو بعد در مقایسه با بعد اخلاقیات است.

کمترین میزان پایبندی در بعد مسائل عبادی مربوط به شرکت در نماز جمعه و بیشترین مربوط به شرکت در نماز جماعت به ترتیب با نمرات ۲/۸۵ و ۴/۵۳ از ۵ است. در بعد امور شرعی بالاترین نمره مربوط ملاک انتخاب همسر (۴/۶۵ از ۵) و کمترین نمره مربوط به اصلاح نکردن ریش با تیغ (۳/۵۴ از ۵) است.

به طور خلاصه در مورد دینداری کلی افراد می توان گفت که بیشتر دانشجویان (۸۱/۳ درصد) دارای دینداری قوی هستند و دینداری سطح ضعیف در بین دانشجویان دیده نمی شود و نیز می توان نتیجه گرفت که مدل دینداری شجاعی زند دینداری افراد را بالا نشان داده است.

جداول صفحه بعد سطح دینداری افراد را در ابعاد مختلف و همچنین میزان پایبندی شان به معرف های مختلف دینداری در هر بعد را نشان می دهند. همان طور که در جدول شماره ۳ مشاهده می نمایید دانشجویان به بعد مسائل اعتقادی التزام بیشتری دارند.

جدول شماره ۳- توزیع فراوانی و میانگین شاخص دینداری و ابعاد آن

میانگین از ۳	کل		پایین		متوسط		بالا		ابعاد دینداری
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۲/۹۶	۱۰۰/۰	۱۵۰	۰	۰	۴	۶	۹۶	۱۴۴	مسائل اعتقادی
۲/۶۲	۱۰۰/۰	۱۵۰	۱/۳	۲	۳۴/۷	۵۲	۶۴	۹۶	مسائل عبادی
۲/۴۱	۱۰۰/۰	۱۵۰	۳/۳	۵	۵۲	۷۸	۴۴/۷	۶۷	مسائل اخلاقی
۲/۸۱	۱۰۰/۰	۱۵۰	۰	۰	۱۸/۷	۲۸	۸۱/۳	۱۲۲	امور شرعی
۲/۸۱	۱۰۰/۰	۱۵۰	۰	۰	۱۸/۷	۲۸	۸۱/۳	۱۲۲	دینداری کلی

جدول شماره ۴- وضعیت پاسخ به گویه‌های مسائل اعتقادی

کل	میانگین از ۵	پایین		متوسط		بالا		گویه‌ها	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
۱۰۰/۰	۱۵۰	۴/۸۴	۰	۰	۲/۷	۴	۹۷/۳	۱۴۶	۱- پیام قرآن جاودانه‌است و برای انسان در تمام اعصار کفایت می‌کند.
۱۰۰/۰	۱۵۰	۴/۷۷	۱/۳	۲	۲/۷	۴	۹۶	۱۴۴	۲- به شفاعت ائمه در حق شیعیان باور دارم.
۱۰۰/۰	۱۵۰	۴/۸۹	۰	۰	۳/۳	۵	۹۶/۷	۱۴۵	۳- به دنیای دیگر و رسیدگی به اعمال و بهشت و جهنم اعتقاد دارم.

جدول شماره ۵- وضعیت پاسخ به گویه‌های مسائل عبادی

کل	میانگین از ۵	پایین		متوسط		بالا		گویه‌ها	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
۱۰۰/۰	۱۵۰	۴/۴۳	۰/۷	۱	۸/۷	۱۳	۹۰/۶	۱۳۶	۱- آیا نماز می‌خوانید؟
۱۰۰/۰	۱۵۰	۴/۴۶	۰/۷	۱	۷/۳	۱۱	۹۲	۱۳۸	۲- چقدر امکان دارد که نماز صبح شما قضا شود؟
۱۰۰/۰	۱۵۰	۴/۵۳	۴/۷	۷	۴	۶	۹۱/۳	۱۳۷	۳- هرچند وقت یک بار در نماز جماعت شرکت می‌کنید؟
۱۰۰/۰	۱۵۰	۲/۸۵	۳۴/۶	۵۲	۴۶	۶۹	۱۹/۴	۲۹	۴- هرچند وقت یک بار در نماز جمعه شرکت می‌کنید؟
۱۰۰/۰	۱۵۰	۳/۹۲	۴	۶	۳۲	۴۸	۶۴	۹۶	۵- چقدر قرآن می‌خوانید؟
۱۰۰/۰	۱۵۰	۳/۰۱	۲۷/۴	۴۱	۴۷/۳	۷۱	۲۵/۳	۳۸	۶- آیا اهل روزه مستحبی هستید؟
۱۰۰/۰	۱۵۰	۲/۹۷	۳۶	۵۴	۳۶	۵۴	۲۸	۴۲	۷- تا چه حد اهل شرکت در مراسم اعتکاف هستید؟
۱۰۰/۰	۱۵۰	۴/۴۹	۱/۴	۲	۱۱/۳	۱۷	۸۷/۳	۱۳۱	۸- تا چه حد اهل شرکت در مراسم شب‌های احیا در ماه رمضان هستید؟

جدول شماره ۶- وضعیت پاسخ به گویه‌های امور اخلاقی

گویه ها	بالا		متوسط		پایین		میانگین	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	از ۵	کل
۱- در هیچ شرایطی حاضر به دروغ گفتن نیستم.	۵۲/۷	۷۹	۳۸/۷	۵۸	۱۳	۱۳	۳/۵۶	۱۵۰
۲- از شنیدن غیبت دیگران پرهیز دارم.	۶۵/۳	۹۸	۲۴	۳۶	۱۶	۱۶	۳/۸۱	۱۵۰
۳- تا چه حد از خطای دیگران در حق خود درمی‌گذرید؟	۷۶	۱۱۲	۱۸	۲۷	۹	۹	۴/۸۹	۱۵۰

جدول شماره ۷- وضعیت پاسخ به گویه‌های امور شرعی

گویه ها	بالا		متوسط		پایین		میانگین	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	از ۵	کل
۱- در صورت اقتضای شرایط، اهل امر به معروف و نهی از منکر هستم.	۸۲	۱۲۳	۱۵/۳	۲۳	۴	۴	۴/۵۵	۱۵۰
۲- با آن دسته از دوستان یا فامیل که پایبندی دینی چندانی ندارند، کمتر رفت و آمد می‌کنم.	۶۱/۳	۹۲	۲۸/۷	۴۳	۱۵	۱۵	۳/۷۹	۱۵۰
۳- در انتخاب همسر به ملاک های دینی اهمیت زیادی می‌دهم.	۹۲/۶	۱۳۹	۶/۷	۱۰	۱	۱	۴/۶۵	۱۵۰
۴- تا چه حد در جلسات عزاداری و سرور و یا هیئات مذهبی شرکت می‌کنید؟	۸۲	۱۲۳	۱۵/۳	۲۳	۴	۴	۴/۱۳	۱۵۰
۵- آیا در تشخیص و انجام تکالیف دینی اهل تقلید هستید؟	۸۴	۱۲۶	۱۱/۳	۱۷	۷	۷	۴/۲۹	۱۵۰
۶- دست دادن با نامحرم از نظر من ایرادی ندارد.	۸۲/۷	۱۲۴	۱۱/۳	۱۷	۹	۹	۴/۳۳	۱۵۰
۷- استفاده از دستبند، انگشتر و زنجیر طلا برای مردان اشکالی ندارد.	۸۲	۱۲۳	۱۳/۳	۲۰	۷	۷	۴/۳۳	۱۵۰
۸- من ریش خود را هیچگاه با تیغ نمی‌زنم.	۵۲/۶	۷۹	۲۴/۷	۳۷	۳۴	۳۴	۳/۵۴	۱۵۰

نتیجه‌گیری

بنا بر استدلالات منطقی تحقیق مدل مناسب برای سنجش دینداری در جامعه ایران تقریباً مدل پیشنهادی شعاعی‌زند با قابلیت سنجش حداقل‌های دینداری (در سطح ابعاد) خواهد بود که در ادامه دلایل برتری آن از مدل گلاک و استارک به طور خلاصه بیان می‌شود:

۱- جامع بودن مدل در پوشش مفهومی دینداری، در این مدل امور شرعی، مسائل اخلاقی و ایمان به عنوان بعدی از دین و به تبع آن دینداری - که در مدل گلاک و استارک به دلایل گفته‌شده بدان توجهی نشده بود - گنجانده شده‌است.

۲- مانع بودن مدل در پوشش مفهومی دینداری، در این مدل دانش دینی و تجربه دینی از ابعاد دینداری - به دلایل گفته‌شده - خارج شده و در ستون نشانه‌ها و پی‌آمدها قرار گرفته‌اند. همچنین بین ایمان به عنوان بعدی از دینداری و تجربه دینی به عنوان پیامد دینداری تفاوت وجود دارد. اما با این وجود بعد ایمان همچون پی‌آمدهای دینداری، با روش پیمایش و ابزار پرسشنامه قابل سنجش نیست بلکه نیازمند مشاهده مستمر اعمال و رفتارهای فرد و ارتباط نزدیک با وی است؛ بنابراین بعد ایمان نیز به دلیل محدودیت روش‌شناختی، علی‌رغم اهمیت زیاد آن در تعیین میزان دینداری افراد، کنار گذاشته شده‌است.

در بخش عملیاتی کردن مفاهیم و سنجش میزان دینداری دانشجویان نتایج تحقیق باور دینی دانشجویان را قوی نشان می‌دهد. (میانگین ۲/۹۶ از ۳) پابندی دانشجویان به مسائل اخلاقی در مقایسه با دیگر ابعاد کمتر است (میانگین ۲/۴۱ از ۳). میانگین نمره پابندی به اعمال عبادی (مسائل عبادی) و امور شرعی دانشجویان به ترتیب برابر ۲/۶۲ و ۲/۸۱ از ۳ است. به‌طور خلاصه در مورد دینداری کلی افراد می‌توان گفت که بیشتر دانشجویان دارای دینداری قوی هستند، (۸۱/۳ درصد) و دینداری سطح ضعیف در بین دانشجویان دیده نمی‌شود که این را می‌توان از نتایج تاکیده‌های بسیار زیاد دانشگاه افسری امام علی^(ع) بر آموزه‌های دین و دینداری دانشجویان دانست.

در پایان پیشنهاد می‌شود با توجه به اهمیت بعد ایمان در نشان دادن میزان دینداری، تحقیقاتی در زمینه عملیاتی کردن و سنجش ایمان افراد نیز انجام گیرد.

منابع و مأخذ

- ۱- پترسون، مایکل، ویلیام هاسکر؛ ۱۳۸۳؛ عقل و اعتقاد دینی: درآمدی بر فلسفه دین؛ ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، تهران: طرح نو.
- ۲- پویافر، محمدرضا؛ ۱۳۸۶؛ بررسی مقایسه ای سنجه‌های دینداری؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم).
- ۳- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ ۱۳۸۲؛ مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی؛ چ ۸، تهران: سمت.
- ۴- حبیب‌زاده، رامین؛ ۱۳۸۴؛ بررسی انواع دینداری در بین دانشجویان دانشگاه تهران؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۵- دلبری، محمد؛ ۱۳۸۳؛ بررسی رابطه دینداری و نگرش نسبت به دموکراسی؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- ۶- ساروخانی، باقر؛ ۱۳۸۳؛ روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی؛ ج ۱، چ ۹، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۷- سراج زاده، سیدحسین؛ ۱۳۷۸؛ «نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی و دلالت‌های آن برای نظریه سکولار شدن»؛ نمایه پژوهش، ش ۹ و ۱۰، ص: ۱۱۸-۱۱۰.
- ۸- سراج زاده، سیدحسین؛ ۱۳۸۰؛ «بررسی تعریف عملیاتی دینداری در پژوهش‌های اجتماعی»؛ فصلنامه نامه پژوهش، ش ۲۰ و ۲۱، ص: ۱۵۹-۱۸۸.
- ۹- شجاعی‌زند، علی‌رضا؛ ۱۳۸۴؛ «مدلی برای سنجش دینداری در ایران»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۶، ش ۱.
- ۱۰- شجاعی‌زند، علیرضا؛ ۱۳۸۶؛ جزوه جامعه‌شناسی دین؛ دانشگاه تربیت مدرس.
- ۱۱- شجاعی‌زند، علیرضا؛ ۱۳۸۷؛ «تبارشناسی «تجربه دینی» در مطالعات دینداری»؛ مجله پژوهش‌های اسلامی؛ دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، س ۱، ش ۲.
- ۱۲- طالبان، محمدرضا؛ ۱۳۷۸؛ دینداری و بزهکاری در میان جوانان؛ تهران: اداره آموزش و پرورش منطقه ۵.

۱۳- طالبان، محمدرضا؛ ۱۳۸۰؛ «تعهد مذهبی و تعلق سیاسی»؛ فصلنامه نامه پژوهش، ش ۲۰ و ۲۱، ص ۵، ص: ۲۲-۳.

۱۴- قصابی، رضوان؛ ۱۳۸۶؛ بررسی اثرات دینداری بر بیگانگی اجتماعی؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.

۱۵- مصری، کتیون؛ ۱۳۸۵، جنسیت و دینداری: بررسی میزان و ابعاد دینداری در دانشجویان زن و مرد؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.

۱۶- مهدیزاده، محمدرضا؛ ۱۳۷۹؛ «بررسی تغییر نگرش دینی دانش‌آموختگان آموزش عالی»؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

۱۷- میرزائی، مهدی؛ ۱۳۸۸؛ بررسی رابطه دینداری و رفتار انتخاباتی؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.

۱۸- نبوی، لطف‌اله؛ ۱۳۸۴؛ مبانی منطق و روش‌شناسی؛ تهران: دفتر نشر آثار علمی دانشگاه تربیت مدرس.

۱۹- نوبخت، احمد؛ ۱۳۸۶؛ بررسی رابطه دینداری و جهانی شدن؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.

۲۰- ویلم، ژان پل. ۱۳۷۷ جامعه‌شناسی ادیان، ترجمه عبدالکریم گواهی. تهران. تبیان.

۲۱- هیل، پیتر؛ هود، رالف؛ ۱۳۸۲؛ معرفی مقیاس‌های دینی؛ ترجمه مسعود آذربایجانی و سید مهدی موسوی، موسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه.

22- Beit hallahmi, Benjamin and Michael Argyle; 1997; The Psychology of Religious behaviour, belief and experience; Routledge.

23- Cornwall, Marie, Stan Albrecht; 1986; "the dimension of Religiosity: A Conceptual model with on impirical test"; Review of Religious Research; No3, March.

24- Dijong, G. F. Faulkner, J. E. & Warland, R. H; 1976; "Dimensions of Religiosity Reconsidered: Evidence from Across - Cultural Study"; Social Forces; 54(4): 866-889.

25- Fukuyama, Yoshio; 1961; "The Major Dimensions of Church Membership"; Review of Religious Rresearch; 2: 154-161.

26- Glock, Charles Y. & Rodney Stark; 1965; Religion and Society in Tension; Chicago: Rand McNally & Company.

27- Himmelfarb, Harold S; 1975; "Measuring religious involvement"; Social Forces; Vol. 53, No. 4: 606-618.

- 28- James, William; 1982; *The Varieties of Religious Experience*; U. S. A.: Penguin Book.
- 29- Jeremy, Freese; 2004; “ Risk preferences and gender differences in religiousness: Evidence from the world values survey”; *Review of religious research*, vol. 46, no.1.
- 30- King, Morton, Richard, Hunt; 1972; “Measuring Religious Variable”; *Measure of Religiosity by Hill and Hood*; Birmingham, 1999.
- 31- Lenski, Gerhard; 1961; *The Religious Factor: A Sociological Study of Religion's Impact on Politics, Economics and Family life*; Garden city: Doubleday & Company, Inc.
- 32- Lizardo, Omar and Jessica L. Collet; 2006; *Why Biology is not (Religious) Destiny: A econd Look at Gender Differences in Religiosity*; University of Notre Dame.
- 33- Miller, Alan S. and Rodney Stark; 2002; “Gender and Religiousness: Can Socialization Explanations Be Saved?”; *American Journal of Sociology*, The University of Chicago.
- 34- Stark Rodney & Charles Glock; 1970; *American Piety: The Nature of Religious Commitment*; University of California Press.
- 35- Sullins. D. Paul; 2006; *Gender and Religiousness: Deconstructing Universality, Constructing Complexity*; The Catholic University of America, Washington
- 36- Swatos. H. William; 1994; *Gender and Religion*, transaction Publisher.
- 37- Wach, Joachimt; 1951; “Universal Religion” J, Wach (ed.) *Type of Religious Experience: Christian & none Christian*; Chicago: University of Chicago Press.
- 38- Wilber, Ken; 1983; *Sociable God: A Brief Introduction to a Transcendental Sociology*; New York: New Press.
- 39- Yinger, J. Milton; 1970; *The Scientific Study of Religion*, New York. Macmillan.